

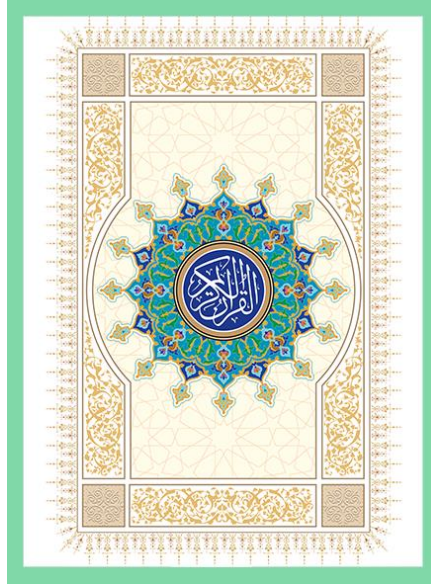
الله اعلم المرن آ!

سند جامع بیات رایة الهدی

تحقیق و تدوین:

مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی

۱۳۹۴-۱۳۹۵



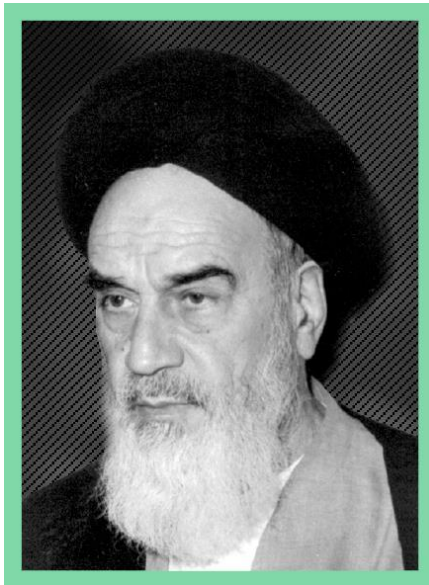
«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سوره نحل، آیه ۹۷)

هر کس - از مرد یا زن - کاری شایسته کند و با ایمان باشد، قطعاً و رابه
حیاتی پاک زنده خواهیم داشت و به چنین کسانی بر پایه بهترین
کاری که انجام می دادند، پاداش خواهیم داد.



عَبْدُ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ، فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج ١، ص ٣٠٧، ح ٦٩)

عبد السلام بن صالح هروی: از ابوالحسن الرضا علیه السلام شنیدم که می فرماید: رحمت خدا بر آن بنده ای که امر ما را زنده گرداند. عرض کردم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: تعالیم ما را فرا گیرد و آنها را به مردم بیاموزد؛ زیرا اگر مردم زیبایی های سخن ما را بدانند، بی گمان از ما پیروی می کردند.

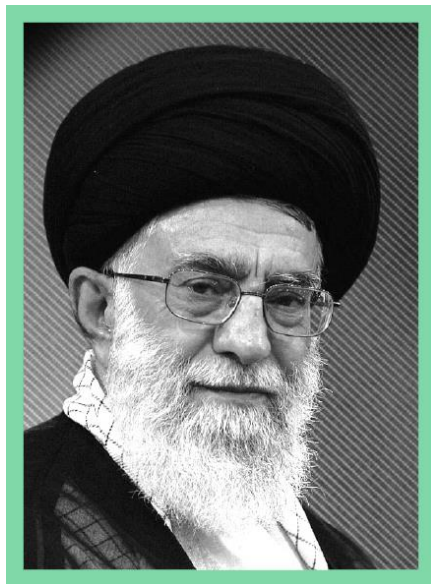


امام خمینی رحمه الله علیه

این مجالس را حفظ کنید. همه مجالسی که اجتماعات دینی است، اجتماعات اسلامی است، اینها اسلام را در قلوب ما زنده نگه می‌دارد. جماعات را حفظ کنید. جمعه را حفظ کنید. اعیاد اسلامی را، شعایری که در آن هست، حفظ کنید و مجالس عزرا را با همان شکوهی که پیشتر انجام می‌گرفت و بیشتر از او، حفظ کنید و اهل منبر ایدهم الله تعالی کوشش کنند در اینکه مردم را سوق بدهند به مسائل اسلامی و مسائل سیاسی اسلامی. مسائل اجتماعی اسلامی و روضه را دست از آن بردارید که ما با

روضه زنده هستیم. (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۳۰)

این روضه و این گریه آدم ساز است؛ انسان درست می‌کند. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۲۰)



مقام معظم رهبری مدظله العالی:

هرچه زمان گذشته است، نهضت حسینی، گسترده تر و اعماق آن آشکار تر شده است. هر بخشی از این نهضت، علمداری دارد. دنیای فقاقت، بخشی از نهضت حسینی است و علمدارانش مراجع بزرگند. دنیای معنویت و معرفت، بخشی دیگر از نهضت حسینی است و علمدارانش سالکان بزرگ و اهل معرفتند. صحنه ی عظیم زندگی مردم، که به سمت اسلام حرکت میکند و نهضت و انقلاب و حکومت اسلامی، بخشی از نهضت حسین بن علی علیه السلام است که علمداران و پرچمداران مخصوص به خود را دارد. بقای فرهنگ این نهضت در بین مردم هم بخشی از آن نهضت است و پرچمدارانش کسانی هستند که اقامه عزای حسینی میکنند. این پرچمداران همانا شما هستید. شما علمدار حسین علیه السلام هستید. بایستی این علم را قدر بدانید و این کار را آن چنان که شایسته ی اوست، انجام دهید. (دیدار هیأت های استان تهران، ۱۳۷۳/۰۵/۱۲)

مقدمه:

با عنایت اهل بیت علیهم السلام و در ظلّ توجّهات حضرت ولیعصر عجلّ الله تعالی فرجه الشریف سنگ بنای هیأت رایة الهدی در تابستان سال ۱۳۸۷ توسط جمعی از فارغ التحصیلان دبیرستان علوم و معارف اسلامی استان یزد نهاده شد.

در طی ۹ سال فعالیت این هیأت، ضمن کسب تجربه های فراوان، همیشه سعی متولیان مجموعه بر قدم نهادن در مسیر هیأت طراز انقلاب اسلامی بنابر منویات مقام معظم رهبری بوده است که در ادامه به اهمّ فعالیت های این تشکّل اشاره می گردد:

- برگزاری مراسمات مناسبتی دهه اول محرم، فاطمیه، لیالی قدر و سایر اعیاد و عزاداری های اهل بیت علیهم السلام
- برگزاری چندین دوره اعتکاف رمضانیه با مخاطب نوجوان و جوان؛ و با محوریت تفکرواندیشه اسلامی
- برگزاری نشست ها و همایش های گوناگون در سطح منطقه (همایش جمعیت با عنوان "ایران جوان بمان"، همایش آسیب های اجتماعی و...)
- برگزاری اردوهای زیارتی و تشکیلاتی (کربلا، مشهد، قم، زنجان و...)
- برگزاری دوره های علمی-معرفتی (از قبیل طرح صراط، بصیرت مطهر، اخلاق عملی، معلم طراز انقلاب اسلامی، حدیث ولایت)

پس از قریب به ۸ سال فعالیت، و بعد از مشورت با اساتید و علماء، تصمیم بر تدوین سند راهبردی برای هیأت و حرکت در این مسیر گرفته شد. در این راستا گروهی از متخصصین این حوزه گرد هم جمع شده و در



طیّ زمانی دوساله منشور سازمانی این هیأت را تدوین نمودند. این منشور که از نظر بسیاری از اساتید و علماء گذشته و مهر تأیید آنان رابه خود گرفته است، شامل چهارچوب نظری، ارزش‌ها، بیانیه مأموریت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان و چهارچوب نهادی (نگاشت نهادی) می‌باشد.

هم‌چنین جهت وضوح امر به پیوست تعاریف واژگان موجود در این سند و نیز منشور سازمانی نهادهای ستادی این هیأت شامل مرکز تحقیقات، مدیریت نیروی انسانی و مدیریت امور مالی آورده شده است.

امید آنکه این تلاش ناچیز مورد قبول حضرت حق قرار گرفته و عنایات اهل بیت علیهم السلام رابه سوی خود جلب نماید. ان شاء الله

^۱- امام علی علیه السلام: «الْأَوْ مَن تَوَرَّطَ فِي الْأُمُورِ غَيْرَ نَاطِرٍ فِي الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِمُفْضِحَاتِ النَّوَائِبِ» (کافی ج ۱ ص ۱۹)

آگاه باشید کسی که بدون دوراندیشی اقدام به کاری کند، خود را در معرض مصیبت‌های بسیار سنگین قرار داده است.

چهارچوب نظری:

۱. هیأت:

اصیل ترین و مؤثرترین اجتماع مؤمنانه و نهاد مردمی بر محور محبت خدا و ثقلین است که به امر خود معصومین علیهم السلام باید در جهت احیاء امر ایشان حرکت نموده؛ و مأمن و مأوایی برای گرد هم آمدن مؤمنین باشد که به واسطه آن علاوه بر برکات معنوی، به رفع نیازهای آنها پرداخته شود.

لازم به ذکر است هیأت جامع نگر، هیأتی است که بتواند همه نیازهای مخاطبینش را به نوعی پوشش دهد. البته رسالت اصلی هیأت، ارتقاء سطح بینشی و گرایشی مخاطبین خود می باشد، چرا که بدینوسیله بسیاری از این نیازها توسط خود اشخاص برطرف می شود.

۲. تشکیلات اسلامی:

تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده ای از افراد هم عقیده به منظور رسیدن به یک سلسله هدف های نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می کنند، بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ نموده و به مرحله اجرا و عمل در می آورند. تشکیلاتی که مبانی، اصول، ارزشها و اهداف آن منطبق با آموزه های دین مبین اسلام باشد، تشکیلات اسلامی است.



۳. ثقلین

به معنای دوشی و گرانبها و ارزشمند است و اشتها این لفظ در حدیث ثقلین پیامبر (ص) در باره اهل بیت (ع) می باشد.
قال رسول الله (ص): «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي؛ أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»^۲

۴. ولایت مطلقه فقیه:

ولایت فقیه اصطلاحی است برای نظام حکومت اسلامی پس از ائمه طاهرین علیهم السلام. ولایت در این اصطلاح به معنای حکومت و زمامداری امور جامعه است و ولایت فقیه به مفهوم زمامداری جامعه اسلامی از سوی کسی است که به مقام اجتهاد در فقه رسیده و حائز شرایط رهبری جامعه اسلامی می باشد.
اما مقصود از «ولایت مطلقه فقیه» این است که اگر «مصالح اهم اجتماعی» مسلمانان با یکی از احکام اولیه شرعی - که از نظر ملاک و اهمیت در رتبه پایین تری قرار دارد - در تضاد قرار گیرد، ولی فقیه که موظف به حفظ مصالح عالیه جامعه اسلامی است؛ به خاطر حفظ مصالح اهم جامعه اسلامی می تواند، بلکه باید موقتاً آن حکم شرعی اولی را تعطیل کند و مصالح اهم جامعه را بر آن مقدم بدارد.

۵. انسان کامل:

انسان کامل یعنی موجودی که بیشترین مقام قرب الی الله را داشته و جامع جمیع مظاهر و مراتب تعینات بوده باشد. یعنی هر انسانی و هر موجودی مظهر یکی از اسماء الهی است به خلاف انسان کامل که مظهر

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷: ۳۳

تام جمیع اسماء و بلکه مظهر اسم اعظم و مستجمع جمیع کمالات و صفات است اما بالغیرنه بالذات.

۶. حیات طیبہ:

حیات طیبہ، حیات حقیقی انسانی است که حیات دنیوی با همه گسترده‌گی‌اش بستر آن، و حیات اخروی با جاودانگی و اهمیتش تبلور این حیات حقیقی است. این حیات اصیل و حقیقی، واقعی و رای حیات ظاهری است که در همین دنیا حاصل می‌شود.

حیات طیبہ برخاسته از مرتبه بالای روح انسانی است. انسان مؤمن در سیر تعالی معنوی خویش که تولدی بعد از تولد می‌یابد، به افاضه الهی ایمانش مؤید به روحی می‌شود که حیات طیبہ ثمره آن است. اگر حیات طیبہ حیاتی جدید و برتر از حیات معمولی و منشأ آثاری بس ارزشمند برای انسان مؤمن است، در حقیقت مؤمن حائز مرتبه جدیدی از روح شده که از پرتو آن روح، این حیات و آثارش پدیدار شده است. البته این مرتبه فائده روح که استعداد ویژه‌ای بوده و اکنون فعلیت یافته است، ظهور و شکوفایی‌اش را از ایمان و عمل صالح می‌گیرد.

۷. تمدن نوین اسلامی:

عبارت تمدن نوین اسلامی که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است در واقع همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف گردیده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژی که می‌تواند نوید بخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه جانبه به عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی می‌باشد.

۸. زمینه سازی ظهور:

زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی اش را تحقق بخشد.



ارزش‌ها:

۱. تعقل:

عقل حجت درونی و یکی از بسترهای جریان حجت بیرونی (وحی) است که به کارگیری آن موجب شکوفایی حیات طیّبه در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌شود.

۱/۱. عقلانیت اسلامی

به معنای تعالی عقل در پناه دین اسلام و بنیادی ترین هسته فرهنگ و تمدن اسلامی و معیار تعاملات فرهنگی جامعه اسلامی با سایر جوامع است.

۱/۲. حکمت سیاسی

در حکمت سیاسی عقلانیت اسلامی، پشتوانه نظری و عملی اقتدار و استقرار نظام سیاسی بوده و معیار تعاملات در عرصه های داخلی و بین المللی است.

۱/۳. بصیرت اجتماعی

عقلانیت اسلامی، پشتوانه ارتباطات منطقی و منسجم فردی سازمانی و اجتماعی در جامعه اسلامی، عامل تشخیص بهنگام و مبنای هم‌گرایی و حضور هوشمندانه در مقابل جبهه ی کفر و نفاق است.

۱/۴. تدبیر معیشت

عقلانیت اسلامی، مبنای تأمین معاش حلال، پاک و عادلانه و عامل تعالی معنویت و انگیزه های الهی در اقتصاد است.



۲. ایمان:

ایمان، باور مبتنی بر معرفت و محبت نسبت به «خدا، غیب، صفات و عدل الهی، فرشتگان، انبیاء، کتابهای آسمانی، امامان و معاد» است که در قلب، زبان و عمل تجلی می‌یابد.

۲/۱. توحید محوری

نگاه به جهان به عنوان مجموعه واحد و به هم پیوسته، با درک حضور باری تعالی و تعمیق معرفت و محبت به او در باورها، ارزشها، رفتارها و نمادهای فردی-اجتماعی، جهت دهنده همه عرصه‌های زندگی به سوی حیات جاودانه اخروی بر مبنای وحی الهی، حق گرایی و عامل توکل و اعتماد به خدای متعال و تفویض امور به اوست.

۲/۲. ولایت مداری

ولایت مداری، تجلی ولایت و حاکمیت خدا، استمرار ولایت پیامبر اعظم (ع) و ائمه معصومین (ع) در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی، معیار مشروعیت، عامل اقتدار نظام سیاسی، مدار وحدت و انسجام، حضور عاشقانه امت اسلامی در پاسداری از مرزهای اعتقادی، جغرافیایی و... و پشتوانه تبعیت مؤمنانه و مبتنی بر محبت از امام امت است.

۲/۳. مهرورزی

منشأ الفت، اخوت، انسجام اجتماعی، نوع دوستی، عامل استحکام و توسعه‌ی ارتباطات بین مردم، اقوام، مناطق مختلف و پیروان مذاهب است.

۲/۴. عدالت

منشأ توازن و مواسات در سطوح مختلف فردی و اجتماعی و مبنای برخورداری آحاد جامعه از فرصت‌های برابر است.

۳. اخلاق:

ملکات پسندیده‌ای که از طریق ترکیه و خود سازی و با انگیزه الهی در رفتار انسان تجلی می یابد و تعالی بخش اندیشه و عمل اسلامی در جامعه دینی است.

۳/۱. تقوا

خاستگاه رشد و تعالی فضایل، رعایت واجبات و ترک محرمات، سبب خروج فرد و جامعه از دشواری ها و مبنای کرامت انسانی نزد خداوند است.

۳/۲. عزت و مدارا

عزت: استقلال و سر بلندی جامعه اسلامی و ایمانی در اندیشه و عمل که مستلزم تعامل سازنده با جامعه خودی و مقاومت و پایداری در مقابل استکبار و دشمنان جامعه اسلامی است.

مدارا: محبت و هم گرایی با آحاد جامعه اسلامی و دوستداران انقلاب اسلامی که مستلزم تحمّل دیدگاه های متفاوت و بهره مندی از همه توانمندی هاست.

۳/۳. کرامت

پاسداشت حرمت و مقام والای انسانی نسبت به خویش و دیگران که مبتنی بر استعداد خلافت الهی است.

۳/۴. انفاق و ایثار

ترجیح منافع دیگران و مصالح جامعه بر منافع فردی و گروهی و صرف امکانات خود برای ایفای مسئولیت الهی و انسانی.



۴. علم:

معرفت، بصیرت و آگاهی نسبت به حقایق و واقعیات عالم هستی است که از طریق وحی، عقل و تجربه به دست می‌آید.

۴/۱. معرفت دینی

شناخت عقاید، احکام و اخلاق بر اساس اسلام ناب محمدی (ص)، که جهت دهنده و تعالی بخش علوم و معارف بشری است.

۴/۲. معرفت هویتی

خود شناسی و آگاهی تاریخی و اجتماعی و بصیرت سیاسی که موجب اعتماد و خود باوری ملی و توانایی تحلیل موقعیت ملی و جهانی و نگرش مطلوب می‌گردد.

۴/۳. دانش‌های تخصصی و مهارت ارتباطی

شناخت نظام ارتباطی و آداب معاشرت اسلامی و توانایی تعامل و رفتار بر اساس آن در ساختار مناسبات اجتماعی، خانوادگی، سازمانی، ملی و جهانی است.

۴/۴. دانش‌های تخصصی و مهارت حرفه‌ای

دانش و مهارت به کارگیری اصول و قواعد اسلامی و علمی معتبر در جهت تولید ثروت حلال، پیشرفت دانش بنیان، توانمندی اقتصادی، افزایش بهره‌وری و ترویج اشتغال مفید است.

۵. عمل:

فعالیت‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که با انگیزه الهی و تحقق و با مجاهدت مؤمنانه ارتقاء می یابد.

۵-۱. امر به معروف و نهی از منکر

دعوت و امر به نیکی و بازداشتن از بدی به عنوان وظیفه همگانی در تمام عرصه ها و سطوح اجتماعی است.

۵-۲. مردم سالاری

حضور و مشارکت مردم در اداره جامعه با راهبری ولایت فقیه که بر مبنای مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار است.

۵-۳. انضباط اجتماعی

قانون مداری و رعایت نظام اخلاقی و حقوقی در تعاملات و مناسبات اجتماعی است.

۵-۴. کار و تلاش

پشتکار، سخت کوشی و فعالیت جهادی به منظور ایجاد ارزش افزوده برای اعتلاء و ارتقای کارآمدی نظام اسلامی و رفاه عمومی است.



بیانیه مأموریت هیأت رایة الهدی

"هیأت رایة الهدی" تشکلی است جامع نگر، مذهبی و جهادی، به عنوان یک نهاد مردمی و مستقل، در جهت:

۱. احیای امر اهل بیت
 ۲. نیل به تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور
 ۳. حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران
- که از طریق برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام و دیگر برنامه های مذهبی با مخاطب اصلی نوجوانان و جوانان ضمن تاکید ویژه بر نهاد خانواده بنابر تکلیف الهی خود، به ارائه خدمت می پردازد.
- این تشکل جهت رسیدن به اهداف خود با رویکرد هم افزایی از تشکیلات هیأت بهره برده و با استفاده از امکانات و فناوری های روز، در سه سطح عملیاتی:

۱. هدایت گری «عناصر تشکیلاتی»
 ۲. اثرگذاری. تبلیغی، تعلیمی، تربیتی. «قشر مستعد و عموم مردم شهرستان یزد»
 ۳. تعاملی و الهام بخشی «مجموعه های فرهنگی کشور و جهان اسلام»
- انجام وظیفه می نماید.

هیأت به نحوی فعالیت می نماید که با توجه به ظرفیت بالقوه ی نیروی انسانی خود، جامع نگری و توجه ویژه به رشد و ارتقاء اعضاء و نیز ارائه مبتکرانه و عالمانه مفاهیم دینی به شایستگی ممتاز نائل آید.

چشم‌انداز هیأت رایة الهدی در افاق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتّکال به قدرت لایزال الهی و اعتصام به قرآن و عترت، در پرتو ایمان و مجاهدت خالصانه و در مسیر تحقّق آرمان‌ها، اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و نقشه مهندسی فرهنگی کشور، جهت نیل به تمدّن نوین اسلامی و زمینه سازی ظهور در افاق ۱۴۰۴؛

رایة الهدی هیئتی است جامع‌نگر با هویت اسلامی و انقلابی، هدایت‌گر تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی، پیشرو، توانمند و تأثیرگذار در سطح شهرستان، متعامل و الهام‌بخش مجموعه‌های فرهنگی کشور و جهان اسلام.

"هیأت رایة الهدی" در افاق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۱. جامع‌نگر

بر محور ثقلین، پویای جامعه مهدوی، پیشتاز جهت تحقّق مراتب حیات طیبّه مبتنی بر انسان کامل بدون محدودیت سنی و جنسی، دست‌یافته به تشکیلات اسلامی، زمینه‌سازی جهت برآورده‌شدن تمامی نیازهای عناصر تشکیلاتی با توجّه به ابعاد وجودی انسان و اهتمام به مسجد محوری در برنامه‌ها و فعالیت‌ها.

۲. برخوردار از هویت اسلامی و انقلابی

متمسّک به قرآن و عترت و ولایت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مبتنی بر عقلانیت اسلامی، ایمان و عمل صالح، متعهّد به نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، آرمان‌های امام خمینی قدس سرّه و رهنمودهای امام‌خامنه‌ای مدّظله العالی، متّکی بر فرهنگ و تفکر بسیجی، برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت،

استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، مفتخر به ایرانی بودن، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی-اسلامی و زبان و ادبیات فارسی.

۳. هدایت‌گر تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی

با نگاه جامع به ظرفیت‌ها، توانایی‌ها، تفاوت‌ها و نیازهای اعضاء طبق مبانی، ارزش‌ها و اصول اسلامی، در جهت نیل به انسان کامل.

۴. پیشرو، توانمند و تأثیرگذار در سطح شهرستان

با تأکید بر الگوی هیأت جامع و تراز انقلاب، در عرصه‌های مذهبی، بارشید پرشتاب و مستمر، با زیرساخت‌های مالی مناسب و امکانات مولد، مبتنی بر سیاست‌های کلی برنامه‌های ششم و هفتم توسعه و نقشه مهندسی فرهنگی کشور.

۵. متعامل و الهام بخش مجموعه‌های فرهنگی کشور و جهان

اسلام

تعامل مؤثر و سازنده، با تأکید بر وحدت، هم‌گرایی و هم‌افزایی مجموعه‌های فرهنگی و انقلابی در جهت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، الگوی محقق مبتنی بر هیأت جامع‌نگر، شوق‌آفرینی نسبت به فعالیت در قالب هیأت، طبق تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی قدس سره و رهنمودهای امام‌خامنه‌ای مدظله العالی، با توجه به نقش الگویی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مرکز تشیع.

اهداف کلان هیأت رآیه الهدی

۱. پایگاه برتر و سرشار از معنویت، جهت تحقق مراتب حیات طیبه مبتنی بر انسان کامل
۲. خلاق و پایبند به اصول و مبانی اسلامی و فعالیت های عالمانه
۳. دست یافته به ساختار سازمانی و تشکیلات اسلامی
۴. متکی بر نیروی انسانی و خادمانی متعهد، متخصص و کارآمد
۵. برخوردار از عرصه های مالی و امکانات مولد بار و یکر د خودگردانی
۶. بهره مندی از کارآمدترین شیوه ها و رسانه ها در جهت تحقق چشم انداز
۷. بهبود مستمر فرآیندها و فعالیت ها با اجرای نظام ارزیابی و بازخورد
۸. الهام بخشی و دارای تعاملی مطلوب با مجموعه های فرهنگی کشور و جهان اسلام



راهنمای کلان:

۱. نهادهینه سازی روح بررسی، تتبع و ابتکار در راستای دستیابی به تفکر خلاق
۲. طراحی نظام واره مبانی نظری و مفاهیم کاربردی مورد نیاز هیأت منطبق بر اصول ومبانی اسلامی
۳. ترویج مبانی نظری و مفاهیم کاربردی هیأت در جهت تعمیق وتحکیم اصول ومبانی اسلامی
۴. پیش گامی در تأثیرگذاری و الهام بخشی علمی در راستای ترویج مفاهیم اسلامی
۵. بهینه سازی مستمر فرایند نیروی انسانی
۶. بستر سازی جهت هدایتگری تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی
۷. بستر سازی جهت توانمندسازی و ارتقاء ابعاد وجودی اعضاء تشکیلاتی
۸. نهادهینه سازی فرهنگ انس وهم دلی در بین نیروها
۹. تقویت زیر ساخت ها و توسعه امکانات زیر بنایی در جهت انجام فعالیت ها
۱۰. بستر سازی مناسب جهت جذب، سازماندهی و توسعه منابع مالی
۱۱. اصلاح و انعطاف پذیر کردن ساختارها جهت جذب منابع مالی و پرهیز از جذب سرمایه های شبهه دار
۱۲. اولویت بندی و توازن بخشیدن به مصارف و مدیریت مؤثر منابع مالی
۱۳. توجه و اهتمام به امور اقتصادی، اشتغال و رفاهی اعضای مجموعه
۱۴. ارائه علمی و عملی الگوی مدیریت مالی بر اساس مفاهیم دینی

چهارچوب نهادی (نگاشت نهادی):

تعیین ساختار تشکیلاتی همواره یکی از دل‌مشغولی‌های اصحاب هیأت بوده است. نحوه تقسیم وظایف و هم‌چنین نظام مدیریتی در تشکیلات هیأت، پیوسته یکی از دغدغه‌های اساسی به شمار می‌آمده که تاکنون انحاء گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده است به عنوان مثال می‌توان به ساختارهای عمودی، افقی، نامنظم و... اشاره نمود. هیأت رایة الهدی نیز در جهت تحقق چشم‌انداز ۱۰ ساله خود، پس از مطالعات کارشناسانه و نیز مشورت با اساتید و علمای مرتبط، ساختار تشکیلاتی خود را بر مبنای اصل ولایت پیش‌بینی نموده که در طی زمان دوساله، مقدمات استقرار آن نیز فراهم می‌گردد. ساختار تشکیلاتی ولایت محور، بر آن است تا برخلاف سایر ساختارها، ضمن ایجاد رابطه‌ای متناسب بین نیروهای ستاد و صف، ربط دائم نیروها به ولی تشکیلاتی را در نظر گرفته و اصل نظارت و ارزیابی را نیز پیوسته مد نظر داشته باشد.

مجموعه‌های ستاد هیأت رایة الهدی:

بنابر بیانیه مأموریت و چشم‌انداز هیأت، می‌توان نیروهای ستادی را که وظیفه پشتیبانی از کل مجموعه را، مستقیم یا غیر مستقیم، بر عهده دارند در سه موضوع دسته‌بندی نمود. اولین مجموعه ستادی هیأت، بدون شک، منابع انسانی هیأت می‌باشد که همانا اصل وجود هیأت بر این نیروی ستادی مستقر است. دومین مجموعه، تأمین و تدبیر در حوزه منابع مالی می‌باشد. مجموعه‌ای که مدیریت صحیح و پویا بر آن در رشد و پیشرفت هیأت تأثیر بسزایی دارد. سومین و آخرین مجموعه ستادی، مجموعه‌ای برای تأمین و تزریق منابع علمی و محتوایی به هیأت می‌باشد.

در این راستا و طبق توضیحات مختصر ارائه شده، برای فعالیت‌های ستادی، سه مجموعه پیش‌بینی شده است که در تراز مدیریتی وظیفه تأمین منابع انسانی، مالی و علمی هیأت‌رابر عهده دارند:

۱. مدیریت نیروی انسانی
۲. مدیریت امور مالی
۳. مرکز تحقیقات



مجموعه‌های صف‌هیأت رایة الهدی:

چنانکه در بیانیه مأموریت ذکر گردید، تأثیر گذاری هیأت بر محیط پیرامون خود، در سه عرصه تبلیغی، تعلیمی و تربیتی می‌باشد. فلذا متناسب با همین سه عرصه، سه مجموعه برای فعالیت در صف هیأت رایة الهدی در نظر گرفته شده است.

در راستای پوشش عرصه تبلیغی هیأت که جهان شمول‌ترین عرصه فعالیت هیأت نیز می‌باشد، مدیریت مجالس ثقلین در نظر گرفته شده است. این مدیریت در پی آن است تا با برگزاری مجالس دینی و سایر برنامه‌های مذهبی، عموم مردم را در دو حوزه قرآن و عترت تحت تأثیر خود قرار دهد.

هم‌چنین در راستای پوشش عرصه تعلیمی، مؤسسه رضوان هدایت در نظر گرفته شده است که انجام تمام فعالیت‌های تعلیمی با مخاطب قشر مستعد مردم را برعهده دارد. طراحی و اجرای برنامه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و... از جمله وظایف این مؤسسه می‌باشد.

در جهت پوشش عرصه تربیتی هیأت، پی‌ریزی مجتمع تربیتی هیأت در طی ده سال در نظر گرفته شده است. مجتمع تربیتی هیأت به‌طور خاص وظیفه طراحی و تشکیل نظام تربیتی متناسب با اهداف هیأت را برعهده دارد. تأسیس مهدکودک، دبستان، دبیرستان دوره اول و دوم و هم‌چنین سطوح آموزش عالی در دو بخش حوزه و دانشگاه برای خواهران و برادران افق دید این بخش می‌باشد که با عنایات الهی به این سمت و سو حرکت می‌نماید.

حوزه مدیریت:

در جهت ارتباط بین ستاد و صف، دو مجموعه در نظر گرفته شده که مسؤولین آن هرچند از اعضای دفتر مرکزی می‌باشند، ولیکن خود نیز فعالیت‌هایی اجرایی در عرصه‌های گوناگون دارند.

مدیریت روابط عمومی:

اولین مجموعه در نظر گرفته شده، مدیریت روابط عمومی می باشد که طبق بیانیه مأموریت هیأت، وظیفه‌ی تعامل و الهام بخشی با مجموعه-های کشور و جهان اسلام را دارا می باشد.

هم چنین در راستای پشتیبانی امور مربوط به رسانه که بخش عمده‌ای از اهداف کلان هیأت نیز مربوط به آن است، تحت نظر مدیریت روابط عمومی، مجموعه‌ای با عنوان کانون هنر و رسانه در نظر گرفته است که بهره‌مندی از کارآمدترین رسانه‌ها در جهت تحقق چشم انداز را بر عهده دارد.

بخش مستقل بانوان:

در جهت پوشش برنامه‌های مربوط به بانوان هیأت نیز بخشی مستقل در نظر گرفته شده است که وظیفه طراحی و اجرای کلیه امور مربوطه را بر عهده دارد. لازم به ذکر است که مدیریت این بخش به صورت مستقل از بخش برادران هیأت می باشد.

ستاد مرکزی:

مسئول هیأت که ولی تشکیلاتی مجموعه نیز می باشد به همراه اعضای ستاد هیأت و نیز روابط عمومی هیأت، تشکیل دهنده ستاد مرکزی هیأت می باشند. ضرورت تمرکز حداکثری و حضور دائمی این اعضا در جهت پویایی هیأت، امری بدیهی می باشد.

دفتر مرکزی:

اعضای ستاد مرکزی به همراه مسؤولین مجالس ثقلین، مؤسسه رضوان هدایت و مجتمع تربیتی، دفتر مرکزی هیأت را تشکیل می دهند.

ضمائم

ضمیمه ۱: تعاریف

۱) هیأت:

چکیده:

اصیل ترین و مؤثرترین اجتماع مؤمنانه و نهاد مردمی بر محور محبت خدا و ثقلین است که به امر خود معصومین علیهم السلام باید در جهت احیاء امر ایشان حرکت نموده؛ و مأمن و مأوایی برای گرد هم آمدن مؤمنین باشد که به واسطه آن علاوه بر برکات معنوی، به رفع نیازهای آنها پرداخته شود.

لازم به ذکر است هیأت جامع نگر، هیأتی است که بتواند همه نیازهای مخاطبینش را به نوعی پوشش دهد. البته رسالت اصلی هیأت، ارتقاء سطح بینشی و گرایشی مخاطبین خود می باشد، چرا که بدینوسیله بسیاری از این نیازها توسط خود اشخاص برطرف می شود.

متن اصلی: لزوم اجتماع مؤمنان

محور ایمان مؤمنان، خدا، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و اهل بیت علیهم السلام می باشند و بر مؤمنین لازم است حول این محور، با یکدیگر در همه امور، اجتماع و هماهنگی داشته باشند و از تفرقه و جدایی بپرهیزند تا به اهداف ایمانی خود دست یابند.

از همین رو خداوند متعال در قرآن حکیم می فرماید:

«واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا»

همگی بر ریسمان الهی (قرآن) که شما را به خدا پیوند می دهد چنگ زنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید.

نیز طبق روایتی از امیر المؤمنین، وقتی از ایشان سؤال شد که جماعت و تفرقه را توضیح دهید، ایشان فرمودند:

به خدا سوگند مراد از اجتماع، پیوستگی و اجتماع پیروان حق است اگر چه اندک باشند و مراد از تفرقه، اجتماع اهل باطل است، گرچه پرشمار باشند.

حال که اهمیت و ارزش اجتماع مؤمنان آورده شد باید گفت که در طول تاریخ، مؤمنان بر همین اساس در قالب‌های گونه‌گونی دور هم گرد آمده و نیازهای مختلف خود را برطرف می‌ساخته‌اند. یکی از این قالب‌ها که قدمتی به درازای تاریخ سرخ شیعه دارد، نهادهای هیأت می‌باشد.

بر این باوریم که نهاد پربرکت هیأت با توجه به ساختاری که داشته و هم چنین با توجه به اتصال دائم به منبع جوشان و خروشان مصائب إِبَاعِدَاللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اصیل ترین و مؤثرترین اجتماع مؤمنانه می‌باشد که در صورت بالفعل شدن تمام ظرفیت‌های موجود در این نهاد، می‌تواند تمام نیازهای مؤمنین را برطرف نماید.

در اینجا لازم به ذکر است که هر فرد دارای نیازهای گونه‌گونی می‌باشد که از یک منظر می‌توان آن‌ها را به نیازهای "مادی"، "معنوی" و "عاطفی" تقسیم نمود. بر پایه همین نیازها که شناخت و برطرف نمودن آنها حرکت در مسیر لقاءالله می‌باشد و نیز بر اساس اصل لزوم اجتماع و نیز حقوق مؤمنان در ازای یکدیگر می‌توان این حقوق را نیز در سه بخش عمده و کلی "حمایت مادی"، "حمایت معنوی" و "حمایت عاطفی" تقسیم نمود که هیأت و اعضای آن باید تمام تلاش خود را در جهت شناخت و برطرف نمودن آن نیازها از طریق حمایت‌های مؤمنانه از یکدیگر بگذارند.

لازم به ذکر است هیأت جامع نگر، هیأتی است که بتواند همه نیازهای مخاطبینش را به نوعی پوشش دهد. البته رسالت اصلی هیأت، ارتقاء سطح بینشی و گرایشی مخاطبین خود می‌باشد، چرا که بدینوسیله بسیاری از این نیازها توسط خوداشخاص برطرف می‌شود.

خالی از لطف نیست که در اینجا توجه ویژه‌ای به اثر خارق‌العاده اشک بر مصائب إِبَاعِدَاللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ داشته باشیم چرا که طبق

احادیث معصومین علیهم السلام بر این اعتقاد و باور هستیم که یکی از اثرگذارترین کارها در جهت زنده نگه داشتن خط اصیل شیعه و نیز رفع نیازهای مؤمنین همین اشک بر سیدالشهداء علیه السلام می باشد. در این جابه روایتی از امام صادق علیه السلام اشاره می شود. امام صادق علیه السلام در جمع یاران خود فرمودند: تقوای الهی پیشه کنید و با یکدیگر برادرانی نیکوکار و دوستانی در راه خدا و به هم پیوستگانی مهربان باشید و با یکدیگر دیدار و ملاقات کرده و در باره امر ما گفتگو و آن را زنده کنید.

ارکان هیأت:

این نهاد شیعی دارای ارکانی می باشد که شاکله اصلی این مجموعه را تشکیل می دهند. در ادامه بحث کوتاهی در این مورد آورده می شود: تعریف رکن:

آن چیزی که در صورت نبود آن می توان گفت هیأت با مشکل جدی روبرو شده و شاید اصل و ریشه هیأت را خدشه دار نماید. به صورت کلی می توان ارکان هیأت را به سه بخش تقسیم نمود: ارکان محتوایی: ۱.

که طبق سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر محور ثقلین می باشد.

۲. ارکان قانون گذاری:

که وظیفه سیاست گذاری امور هیأت را بر عهده دارد.

۳. ارکان اجرایی:

که وظیفه اجرای امور هیأت را بر عهده دارد.

توجه: در اینجا ارکان هیأت به طور کلی بیان شد. قابل ذکر است که هر هیأت باید با توجه به شرایط خود، ارکان و تشکیلات مجموعه خود را برنامه ریزی نموده و مشخص می نماید.

۲) تشکیلات اسلامی

چکیده:

تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده‌ای از افراد - هم عقیده - به منظور رسیدن به یک سلسله هدفهای نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می‌کنند، بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ نموده و به مرحله اجرا و عمل در می‌آورند. تشکیلاتی که مبانی، اصول، ارزشها و اهداف آن منطبق با آموزه‌های دین مبین اسلام باشد، تشکیلات اسلامی است.

متن اصلی:

تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده‌ای از افراد - هم عقیده - به منظور رسیدن به یک سلسله هدفهای نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می‌کنند، بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ نموده و به مرحله اجرا و عمل در می‌آورند. تشکیلاتی که مبانی، اصول، ارزشها و اهداف آن منطبق با آموزه‌های دین مبین اسلام باشد، تشکیلات اسلامی است.

شهید بهشتی تشکیلات را مجموعه‌ای از افراد که براساس آرمان مشترک و ایمان مشترک و نقطه نظرهای مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت بشوند و بر پایه رعایت اصول و قواعد اخلاقی، پاسدار و نگهبان ارزش‌ها، زمینه ساز خودسازی و... فعالیت می‌نماید، تعریف می‌نماید.

معمار تشکیلات اسلامی، شهید آیت الله دکتر بهشتی ضرورت تشکیلات اسلامی و شاخص‌های تشکیلات اسلامی را این چنین تبیین می‌کند:

ما در پرتو اعتقاد به اسلام و اعتقاد به وظایف اسلامی در صدد جهاد برآمدم. ما می‌دانستیم که اسلام زن و مرد مسلمانی را می‌خواهد که نه فقط مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن خویش هستند بلکه مراقب مسلمان بودن و مسلمان ماندن و مسلمان تر شدن محیط

اجتماعی هم هستند. اسلام به این اکتفا نمی‌کند که شما راستگو باشد. اسلام می‌گوید هم باید راستگو باشید و هم باید با دروغ‌گویی و کژی دیگران مبارزه کنید. اسلام به این اکتفا نمی‌کند که شما عفیف و پاکدامن باشید. می‌گوید هم شما عفیف و پاکدامن باشید و هم با ناپاکدامنی‌های محیط مبارزه کنید و کسان دیگری را که به ناپاکدامنی آلوده‌اند این‌ها را هم پاکیزه کنید. این روش اسلام است. این اصل است و این فریضه را بزرگترین و پر ارج‌ترین فریضه شمرده‌اند. در آیات و روایات متعدد، وظیفه و فریضه امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین و بالاترین وظیفه شناخته شده که همه واجبات و فرائض دیگر در پرتو آن گزارده می‌شود.

رهبر معظم انقلاب نیز توصیه‌های بسیاری پیرامون اهمیت کار تشکیلاتی دارند تا آنجا که ایشان در ضرورت کار تشکیلاتی می‌فرمایند: «هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش‌رفت و پیروز نشد.»^۴ ایشان با برشمردن پیشوای ششم شیعیان، به عنوان "مرد تشکیلات" در معرفی شخصیت والای حضرت اباعبدالله الصادق (علیه السلام) می‌فرمایند:

«امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود... اما آن بعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق (ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود از طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی این که وقتی امام صادق (ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بدانند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا جوهات و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم‌آل

علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق (ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند.»^۵

(۳) ثقلین

چکیده:

به معنای دوشیء گرانبها و ارزشمند است و اشتها را این لفظ در حدیث ثقلین پیامبر (ص) درباره اهل بیت (ع) می باشد.

قال رسول الله (ص): «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي؛ إِهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ»^۶

متن اصلی:

به معنای دوشیء گرانبها و ارزشمند است و اشتها را این لفظ در حدیث ثقلین پیامبر (ص) درباره اهل بیت (ع) می باشد. در حدیث ثقلین، پیامبر اکرم (ص) امت خود را به حرمت نهادن به دو شیء گران قدر (ثقلین) سفارش و سپس آن دو را کتاب و عترت (اهل بیت) معنا کرده اند. این حدیث، به سبب کاربرد همین واژه، به "ثقلین" یا "ثقلین" مشهور است.

متن حدیث:

حدیث ثقلین تواتر معنوی دارد، یعنی معنی آن متواتر است نه الفاظ آن. معنایی که از کل احادیث برمی آید به این شکل است:

قال رسول الله (ص): «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي؛ إِهْلَ بَيْتِي وَ إِنْهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ»^۷

ترجمه حدیث:

«همانا من بین شما دو شیء (یادگار) گرانبها از خود بر جای می گذارم، کتاب خدا و اهل بیت خود را و همانا این دو هرگز از هم جدانمی گردند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.»

در این روایت از قرآن به ثقل اکبر و از اهل بیت به ثقل اصغر تعبیر شده است. مطلب بسیار مهم دیگر این است که پیغمبر فرمود این دو از هم جدانمی شوند. و چنگ زدن به هر دوی این ها اجتناب ناپذیر است و نمی توان گفت «حسبنا کتاب الله» یا «حسبنا ما روی لنا من اهل البيت» و دیگر اینکه رسول اکرم می گوید اگر به این دو چنگ بزنید هرگز گمراه و بدبخت نمی شوید. و انحراف مسلمین از آن وقتی شروع شد که خواستند بین کتاب خدا و اهل بیت فاصله و جدایی بیندازند.

۴) ولایت مطلقه فقیه:

چکیده:

ولایت فقیه اصطلاحی است برای نظام حکومت اسلامی پس از ائمه طاهرین (ع). ولایت در این اصطلاح به معنای حکومت و زمامداری امور جامعه است و ولایت فقیه به مفهوم زمامداری جامعه اسلامی از سوی کسی است که به مقام اجتهاد در فقه رسیده و حائز شرایط رهبری جامعه اسلامی می باشد.

اما مقصود از «ولایت مطلقه فقیه» این است که اگر «مصلح اهم اجتماعی» مسلمانان با یکی از احکام اولیه شرعی - که از نظر ملاک و

۷. وسائل الشیعه، ج ۲۷: ۳۳

اهمیت در رتبه پایین تری قرار دارد - در تراحم قرار گیرد، ولی فقیه که موظف به حفظ مصالح عالیه جامعه اسلامی است؛ به خاطر حفظ مصالح اهم جامعه اسلامی می تواند، بلکه باید موقتاً آن حکم شرعی اولی را تعطیل کند و مصالح اهم جامعه را بر آن مقدم بدارد.
متن اصلی:

تعریف علمی این اصطلاح نیازمند شناخت دقیق مفاهیم فقه، فقیه و ولایت می باشد. از این رو ابتدا به این موضوع می پردازیم:

الف: تعریف مفاهیم

۱. «فقه»: در اصطلاح؛ به معنای علم و آگاهی دقیق نسبت به علوم دین و احکام الهی و توان استنباط آنها از طریق ادله تفصیلی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) است. «فقه» یکی از شاخه های علوم دینی و عبارت است از: «علم به احکام شرعی از طریق استنباط و اجتهاد».^۸

۲. «فقیه»: کسی است که در علوم اسلامی تخصص دارد و احکام الهی را از ادله آن استنباط می کند.

۳. «ولایت»: معانی مختلفی دارد. ریشه لغوی آن (ولی) به معنای قرب، اتصال و پیوند دو یا چند شیء است. از پیوند عمیق دو شیء، ولایت پدید می آید. ولایت به بخش «تکوینی» و «تشریعی» تقسیم می شود:

ولایت تکوینی

«ولایت تکوینی» به معنای تصرف در موجودات و امور تکوینی است. چنین ولایتی از آن خدا است. اصل پیدایش، تغییرات و بقای همه موجودات به دست او است و همه تحت اراده و قدرت خدا قرار دارند. خداوند متعال مرتبه ای از این ولایت را به برخی از بندگان عطا می کند. معجزات و کرامات انبیا و اولیا، از آثار همین ولایت تکوینی است. آنچه در ولایت فقیه مطرح است، «ولایت تکوینی» نیست.

۸. میراحمدی زاده، مصطفی، «رابطه فقه و حقوق»

۹. راغب اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن: ۵۳۳

ولایت تشریعی

«ولایت تشریعی» بر دو قسم است:

۱. **قانون گذاری:** بر اساس توحید ربوبی، هرگونه قانونی که انتساب به خداوند نداشته باشد، به شرک در تشریع منتهی می شود: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^{۱۰} و فقط کسی مجاز به جعل قانون است که از طرف خداوند، مأذون باشد، مانند پیامبر اکرم (ع) و امامان معصوم (ع).

زمان غیبت نیز فقیه جامع شریعی که به کتاب و سنت آشنایی دارد، نسبت به اوضاع و احوال زمانه آگاه است، مقتضیات زمان و مکان را تشخیص می دهد و از تقوا و پارسایی نیز برخوردار است؛ از سوی معصومین (ع)، مأذون است تا به وضع قوانین متغیر در چهارچوب احکام و آموزه های اسلامی و مصالح جامعه اسلامی بپردازد. جعل چنین ولایتی برای فقیه جامع شرایط، نه تنها منافاتی با ولایت تشریعی و حاکمیت خداوند ندارد؛ بلکه شأنی از شؤون ربوبیت الهی و در طول آن است.^{۱۱}

۲. **زعامت و رهبری:** از دیدگاه اسلامی، انسان یکتاپرست، نباید از هیچ فردی انهدای فرمان ببرد و کسی را ولی، سرپرست و ارباب خود قرار دهد و بی چون و چرا مطیع او گردد، مگر آنکه خداوند سبحان برای او چنین حقی را جعل و تشریع کرده باشد. قرآن فرموده است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»^{۱۲} «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیک تر] است» نیز «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^{۱۳} «اولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.»

۱۰. یوسف: ۶۷

۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی، «حقوق و سیاست در قرآن»، ۱۶۲

۱۲. احزاب: ۶

۱۳. مائده: ۵۵

بر اساس این آیات خداوند ولایت تدبیری و حق اداره و تنظیم اجتماعی را برای پیامبر و امامان معصوم (ع) تشریع کرده است و تنها آنان هستند که می توانند حاکمیت سیاسی و زمامداری جامعه را در دست گرفته و در رأس هرم قدرت باشند. بر اساس دلایل گوناگونی، چنین ولایتی از طرف ائمه اطهار (ع) به فقیهان واجد شرایط واگذار شده است و آنان به نیابت از معصومین (ع)، علاوه بر حق قانون گذاری - باقیود و شرایطی که بیان شد - دارای ولایت زعامت و رهبری جامعه بوده و موظف به تدبیر، سرپرستی و تنظیم اجتماعی، جامعه اسلامی هستند.

در هر صورت معنای اصطلاحی «ولایت» عبارت است از: «تصدی امر و اداره حکومت».^{۱۴}

۳. «ولایت فقیه»؛ یعنی، رهبری سیاسی جامعه اسلامی به وسیله فقیه عادل و باتقوا و دارای شرایط لازم رهبری.

ب: نظریه ولایت فقیه

ولایت فقیه اصطلاحی است برای نظام حکومت اسلامی پس از ائمه طاهرین (ع). ولایت در این اصطلاح به معنای حکومت و زمامداری امور جامعه است و ولایت فقیه به مفهوم زمامداری جامعه اسلامی از سوی کسی است که به مقام اجتهاد در فقه رسیده و حائز شرایط رهبری جامعه اسلامی می باشد. موضوع اصلی ولایت فقیه این است که در زمان غیبت امام معصوم (ع) چه باید کرد؟ آیا امت اسلامی باید بدون رهبر باشد؟ یا باید به رهبری طاغوت تن دهد یا باید بهترین کسی را که از نظر علم و زهد و تقوا و مدیریت سیاسی، کمترین فاصله را با معصوم دارد به رهبری امت اسلامی بپردازد؟

در واقع ولایت فقیه به همین معناست که با وجود معصوم (ع) باید او رهبری کند و در عصر غیبت به نیابت از امام زمان (عج) ولی فقیه رهبری و

۱۴. نوروزی، محمد جواد، «نظام سیاسی اسلام»، ۱۸۷: (ر.ک: آیت الله جوادی آملی، «ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت»، نشر اسراء، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۲۳)

زمام امور جامعه را بر عهده دارد تا امت گرفتار هرج و مرج و آنارشیزم و تعبد به حاکمیت طاغوت نشود و احکام و ارزشهای الهی در جامعه عملی گردد.

نظریه ولایت فقیه و شکل متکامل و شفاف آن یعنی ولایت مطلقه فقیه، هر چند مبتنی بر مبانی و آموزه های دینی بوده و دارای پیشینه تاریخی طولانی تا عصر امامان معصوم (ع) می باشند، ولی شکل گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه - که به عنوان تنها شکل مشروع حکومت در زمان غیبت از سوی امامان معصوم (ع) معرفی شده است - در ابتدا و برخورد ملموس و عینی این نظریه با واقعیات جامعه در عرصه مدیریت جامعه باعث تکامل و تبیین هر چه بیشتر اختیارات ولی فقیه و زوایای پنهان آن در قالب نظریه «ولایت مطلقه فقیه» شد.

نظریه ولایت مطلقه فقیه

بین «ولایت فقیه» با «ولایت مطلقه فقیه» تفاوتی در ماهیت و جوهره ولایت سیاسی فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت نیست، تنها تفاوتی که وجود دارد در نحوه نگرش و چگونگی استعمال این اصطلاح است. زمانی که ولایت فقیه بدون قید مطلقه استعمال شود، مراد از آن همان حکومت و زمام داری امور جامعه است که براساس ادله عقلی و نقلی (آیات و روایات) متعددی در زمان غیبت امام معصوم (ع) بر عهده فقیه جامع الشرایط گذاشته شده و فقیه عادل جامع الشرایط از سوی آن بزرگواران برای اداره و رهبری جامعه اسلامی منصوب گردیده و دارای حق حاکمیت می باشد. اما زمانی که ولایت مطلقه فقیه استعمال می شود، ناظر به حیطه اختیارات و گستره وظایف و مسؤولیت های ولی فقیه است و الا در اصل اثبات ولایت برای فقیه جامع الشرایط هیچ تفاوتی با «ولایت فقیه» ندارد. توضیح این مطلب مبتنی بر تحلیل و تبیین دقیق ولایت مطلقه فقیه است که به اختصار توضیحاتی را بیان می نماییم: نظریه حضرت امام (ره) درباره حوزه اختیارات ولی فقیه که مورد قبول



اکثریت فقهای شیعه می‌باشد، این است که فقیه همه اختیارات لازم حکومتی امام معصوم (ع) را دارد و هر نوع ولایتی که در حوزه رهبری جامعه برای امام ثابت شده برای فقیه نیز ثابت است. جز آنچه که به دلیل خاص از مختصات امام معصوم (ع) شمرده شده است، از قبیل عصمت، ولایت تکوینی و نیز پاره‌ای از اختیاراتی که پیامبر در حوزه مسائل خصوصی افراد داشته‌اند. در حقیقت اختصاصات یاد شده مربوط به جنبه ولایت به معنی زعامت و رهبری اجتماعی نیست، بلکه به خاطر جهات شخصیتی و شرافت مقام امامت و عصمت امام معصوم (ع) است. از اختیارات حکومتی یاد شده به «ولایت مطلقه» تعبیر می‌شود که مابه‌اختصار به توضیح آن می‌پردازیم.

مقصود از «ولایت مطلقه فقیه» این است که اگر «مصالح‌ا‌هم اجتماعی» مسلمانان بایکی از احکام اولیه شرعی - که از نظر ملاک و اهمیت در رتبه پایین‌تری قرار دارد - در تزامن قرار گیرد، ولی فقیه که موظف به حفظ مصالح‌عالبه جامعه اسلامی است؛ به خاطر حفظ مصالح‌ا‌هم جامعه اسلامی می‌تواند، بلکه باید موقتاً آن حکم شرعی اولی را تعطیل کند و مصالح‌ا‌هم جامعه را بر آن مقدم بدارد؛ مثلاً در فقه اسلامی تخریب مسجد حرام می‌باشد. اکنون اگر به تخریب مسجدی جهت خیابان‌کشی حاجت افتاد، چه باید کرد؟ دیدگاه مخالف ولایت مطلقه بر آن است که صرف مصلحت‌ا‌هم اجتماعی مجوز تخریب مسجد نیست و تا زمانی که کار به ضرورت نرسد نمی‌توان دست به این کار زد؛ لیکن براساس نظریه «ولایت مطلقه» لازم نیست حکومت اسلامی آن قدر صبر کند که برای جامعه مشکلات زیادی فراهم شود و کارد به استخوان برسد، تا آن‌گاه از سر ناچاری و برای خروج از بن‌بست و انفجار اجتماعی، مسجد را تخریب کند. بلکه اساساً اگر بخواهیم چنین کنیم، همیشه از قافله تمدن عقب خواهیم ماند و همواره در مشکلات دست و پا خواهیم زد و شارع مقدس به چنین چیزی راضی نیست. از آنچه گذشت روشن می‌شود که: اولاً؛ ولایت مطلقه فقیه از قواعد رافع تزامن است؛

یعنی، مطلق بودن ولایت گره گشادر تراحم احکام و مصالح اهم اجتماعی است. ثانیاً؛ ولایت مطلقه خود، مقید به قیودی است نه این که از هر حیث مطلق باشد. قیودی که در اعمال ولایت مطلقه وجود دارد عبارت است از: ۱. مصلحت، ۲. اهم بودن، ۳. اجتماعی بودن. به عبارت دیگر، ولی فقیه نمی تواند:

۱. به طور دل خواهانه و بدون رعایت مصالح جامعه اقدامی کند.
۲. مصلحت مورد نظر در اینجا مصالح امت است، نه شخص ولی فقیه.
۳. تنها مصالحی را می تواند بر احکام نخستین مقدم بدارد که از نظر اهمیت دارای رتبه بالاتری بوده و شارع مقدس راضی به ترک آنها نباشد. و این اختیارات چیزی بیش از اختیارات لازم و ضروری برای حکومت و اداره جامعه نیست و هیچ حکومتی فاقد آن اختیارات نمی باشد. «البته فضایل پیامبر (ص) بیش از همه انسانها است و... لیکن فضایل معنوی بیشتر، اختیارات حکومتی را افزایش نمی دهد. خداوند همان اختیارات و ولایتی که به پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) در تدارک و بسیج سپاه تعیین والیان و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داده است، برای حکومت فقیه نیز قرار داده است، نهایت تفاوت این که ولایت فقیه در رابطه با شخصی معین نبوده و روی عنوان عالم عادل ثابت است.»^{۱۵}

حضرت امام خمینی (ره) در توضیح این نظریه می افزاید: «وقتی می گوئیم ولایتی را که رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) داشتند، بعد از غیبت، فقیه عادل دارد، برای هیچ کس این توهم نباید پیدا شود که مقام فقهاء همان مقام ائمه و پیامبر اکرم (ص) است زیرا اینجا صحبت از مقام نیست، بلکه صحبت از ولایت یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس که یک وظیفه سنگین و مهم است می باشد، نه شأن و مقام برتر و غیر عادی، به عبارت دیگر ولایت مورد بحث یعنی

۱۵. ولایت فقیه امام خمینی: ۵۵

حکومت و اجراء قوانین الهی و اداره جامعه اسلامی و... ولایت فقیه از امور قراردادی و اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل قانونی ندارد، وقتی کسی به عنوان ولی در موردی نصب می‌شود، مثلاً برای حضانت و سرپرستی کسی یا حکومت، دیگر معقول نیست در اعمال این ولایت فرقی بین رسول اکرم (ص) و امام یا فقیه وجود داشته باشد. به عنوان مثال، ولایتی که فقیه در اجرای حدود و قوانین کیفری اسلام دارد، در اجرای این حدود بین رسول اکرم (ص) و امام و فقیه امتیازی نیست. حاکم، متصدی اجرای قوانین الهی است و باید حکم خدا را اجرا نماید، چه رسول الله (ص) باشد و چه امام معصوم (ع) یا نماینده او با فقیه عصر»

۵) انسان کامل

چکیده:

انسان کامل یعنی موجودی که بیشترین مقام قرب الی الله را داشته و جامع جمیع مظاهر و مراتب تعینات بوده باشد. یعنی هر انسانی و هر موجودی مظهر یکی از اسماء الهی است به خلاف انسان کامل که مظهر تام جمیع اسماء و بلکه مظهر اسم اعظم و مستجمع جمیع کمالات و صفات است اما بالغیر نه بالذات.

متن اصلی:

شاید لفظ «انسان کامل» اولین بار در اواخر قرن ششم توسط محی الدین ابن عربی بکار برده شده باشد، اما پیش از او، معنا و مفهوم این لفظ مورد توجه و استعمال بوده است. شایع ترین و قدیمی ترین تعریفی که برای انسان ذکر شده «حیوان ناطق» است و مقصود از «ناطق» قوه عالمه و عامله است. انسان کامل یعنی کسی که در دو قوه عقل نظری و عقلی عملی به بالاترین درجه قابل تصور رسیده باشد.

یعنی در عقل نظری صاحب عقل مستفاد بوده و در عقل عملی به مرحله فناء فی الله و بقاء بالله رسیده باشد.

۱۶. عقل آدمی به حسب مراتب به چهار قسم تقسیم می شود.

اول: عقل بالقوه (هیولایی)؛ دوم: عقل بالملکه؛ سوم: عقل بالفعل؛ و چهارم: عقل مستفاد.

عقل بالقوه، مرز بین انسان و حیوان است صاحب عقل بالقوه دارای نفسی است که توانایی تحصیل علوم و دانش های مختلف را داشته و امکان عمل بر طبق آن را دارا می باشد، تفاوت نوزاد آدمی با نوزاد دیگر موجودات در عقل بالقوه است. نوزاد حیوانات فاقد عقل بالقوه هستند، زیرا نفس آنان امکان تحصیل معقولات را ندارند.

عقل بالملکه عقلی است که از مرحله بالقوه بودن فراتر آمده و مفاهیم و معانی و قضایای اولی و بدیهی را ادراک می کند، صاحب عقل بالملکه توانایی تربیت، استدلال و حرکت به سوی مجهولات نظری را دارا است.

عقل بالفعل، عقلی است که با استفاده از بدیهیات و معارفی که در عقل بالملکه است، به سوی معارف نظری حرکت کرده و برخی از آنها را به فعلیت رسانده است، دامنه عقل بالفعل به تناسب معقولات متنوعی که وجود دارد گسترده است و هر انسان به مقداری که از آن معلومات بهره مند باشد دارای عقل بالفعل می باشد.

کسی که عقل نظری او بالفعل باشد و در عقل عملی نیز توانمند و قوی باشد، ارتباط وجودی مستقیمی با عقل، یا عقولی پیدا می کند که دارای تجرد تام هستند، چنین فردی به دلیل این ارتباط مستقیم در فهم مسائل نظری نیاز به ترتیب و چینش مقدمات ندارد.

او همه معلومات را به نحو جمع در ملکه علمی خود واجد می باشد به گونه ای که هرگاه، یکی از آنها را اراده کند بدون آنکه به استدلال جدیدی محتاج باشد، مستقیماً معلوم را می یابد. کسی که از این مرتبه عقل بهره مند باشد دارای عقل مستفاد است.

انسان کامل در واقع بیان «انسان آرمانی» است و هر دینی دیدگاه خود را در باره آن بیان کرده است. شناخت انسان کامل از نظر قرآن کریم نیز در واقع شناخت نوع نگاه قرآن به انسان و بیان غایت و هدف از تربیت قرآنی است. عرفان اسلامی را می توان در دو مسأله خلاصه نمود: «توحید چیست؟» و «موحد کیست؟» و شناخت موحد حقیقی همان بحث از انسان کامل است.

اصطلاح عرفانی «انسان کامل» گرچه در قرآن کریم و روایات بکار نرفته است، اما وجه الهی آنسان - که همان معنای انسان کامل است - در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است. علاوه بر آن تعدادی از تفاسیر این اصطلاح را به کار برده و آیاتی از قرآن کریم را بر آن تطبیق داده اند، و چون مصداق انسان کامل پیامبران و امامان علیهم السلام هستند، به فرموده شهید مطهری قرآن از انسان کامل به «امام» تعبیر کرده است.

عرفای اسلامی از انسان کامل با القایی چون: «شیخ»، «هادی»، «مهدی»، «خلیفه»، «جام جهان نما»، «اکسیر اعظم» و «خضر» تعبیر می کنند و در روایات از او با «امام»، «خلیفه»، «قطب»، «صاحب الزمان»، «ولی الله»، «مؤید به روح القدس» یاد شده است و در قرآن مجید کلماتی از قبیل «مخلصین»، «سابقون»، «رسول»، به انسان کامل تأویل شده اند. برخی از تعبیرهای غیر دینی چون «لوگوس»، «تعیّن اول»، «انسان بلورین»،

عقل نظری نیز، به تناسب موضوعاتی مورد نظر خود به اقسامی تقسیم می شود. اگر موضوعات مورد نظر آن، مربوط به اصل هستی و مبادی عالیه موجودات باشد، از آن با عنوان عقل متافیزیکی یاد می کنند و اگر موضوعات مورد نظر آن امور مادی و طبیعی باشند و کار آن به شناخت پدیده های تجربی و نسبت های بین آنها مقید گردد از آن با عناوینی نظیر عقل ابزاری و یا عقل جزئی یاد می شود. حمید پارسنیا (ماهنامه حوراء شماره ۲)

۱۸. «انسان کامل» ص ۲۸.

۱۹. «الانسان الکامل» عزیز نسفی، ص ۵۷.

۲۰. «انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه» ص ۱۰۰.

«انسان برتر»، «انسان عقلی» و تعبیرهای دینی «عقل اول»، «قلم اعلی»، «مخلصین»، «سابقین»، «امام»، «رسول»، «قطب» و «خليفة الله» هر کدام اشاره‌ای به مسأله انسان کامل دارد.

اهمیت شناخت انسان کامل یا انسان نمونه از دیدگاه اسلام از آن نظر برای ما مسلمین واجب است که حکم مدل والگو و سرمشق را دارد. اگر ما انسان کامل اسلام را شناسیم قطعاً نمی‌توانیم يك مسلمان تمام یا کامل باشیم و به تعبیر دیگر يك انسان کامل و لو کامل نسبی از نظر اسلام باشیم.^{۲۱}

بنابراین معلوم شد که انسان کامل یعنی موجودی که بیشترین مقام قرب الی الله را داشته و جامع جمیع مظاهر و مراتب تعینات بوده باشد.^{۲۲} یعنی هر انسانی و هر موجودی مظهر یکی از اسماء الهی است به خلاف انسان کامل که مظهر تام جمیع اسماء و بلکه مظهر اسم اعظم و مستجمع جمیع کمالات و صفات است اما بالغیر نه بالذات. چنین انسانی عالم کبیر شمرده می‌شود. این چنین انسانی با سایر مردم تنها اشتراك در صورت و چهره ظاهر دارد «قل انما انا بشر مثلكم»^{۲۳} اما در سیرت و حقیقت تفاوت بسیاری با دیگران داشته و چون شناخت او مشکل است همچنانکه شناخت خدای متعال نیز چنین است فرشتگان جاهل مقام او بوده و نسبت به مقام او اعتراض داشتند. بنابراین انسان کامل تعیین اول و مظهر اتم خداوند است که او چون جان همه جهان تکوین بوده و خلیفه خداوند است و دارای مفاتیح غیب، و شجره طیبه‌ای است که واسطه بین خداوند و تمام موجودات بوده و دارای مقام احسن تقویم و اعلی‌علیین می‌باشد. این انسان کامل گاهی به شکل نبی ظهور می‌کند و گاهی به شکل وصی و ولی.^{۲۴}

۲۱. «انسان کامل» شهید مطهری، ص ۱۴.

۲۲. آن گونه که در خطبة البیان آمده است: ر.ک: «یازده رساله» ص ۲۷۰.

۲۳. سوره کهف آیه ۱۱۰.

۲۴. سوره بقره آیه ۳۰.

۶) حیات طیبه

چکیده:

حیات طیبه، حیات حقیقی انسانی است که حیات دنیوی با همه گسترده‌گی‌اش بستر آن، و حیات اخروی با جاودانگی و اهمیتش تبلور این حیات حقیقی است. این حیات اصیل و حقیقی، واقعیتی ورای حیات ظاهری است که در همین دنیا حاصل می‌شود.

حیات طیبه برخاسته از مرتبه بالای روح انسانی است. انسان مؤمن در سیر تعالی معنوی خویش که تولدی بعد از تولد می‌یابد، به افاضه الهی ایمانش مؤید به روحی می‌شود که حیات طیبه ثمره آن است. اگر حیات طیبه حیاتی جدید و برتر از حیات معمولی و منشأ آثاری بس ارزشمند برای انسان مؤمن است، در حقیقت مؤمن حائز مرتبه جدیدی از روح شده که از پرتو آن روح، این حیات و آثارش پدیدار شده است. البته این مرتبه فائده روح که استعداد ویژه‌ای بوده و اکنون فعلیت یافته است، ظهور و شکوفایی‌اش را از ایمان و عمل صالح می‌گیرد.

متن اصلی:

برای درک چیستی حیات طیبه مناسب است اول دو واژه «حیات» و «طیبه» مفهوم‌شناسی شوند.

واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی و زنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند.^{۲۵}

طیبّه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می‌باشد.^{۲۶}

بر این اساس، حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی است. مرحوم علامه طباطبایی در اشاره به این معنا می‌گویند:

۲۵. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۲۶۹

۲۶. لسان العرب، ابن منظور، جلد ۱، ص ۵۶۳

«علت اینکه چرا قرآن آن زندگی را با وصف طیب توصیف فرموده، چون حیاتی خالص است که خباثتی در آن نیست»^{۲۷}

زندگی طیبه در حقیقت پیدایش حیاتی جدید و فوق حیات معمولی و ظاهری است، حیاتی برخوردار از نورانیت.

تنها یک بار در قرآن مجید از «حیات طیبه» به صراحت به میان آمده است، در آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل خداوند متعال می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ إِنِّي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم داد»^{۲۸}

در باره چپستی «حیات طیبه» نظرات گوناگونی توسط مفسرین مطرح شده است. مرحوم طبرسی در تفسیر بزرگ مجمع البیان برخی از آنها را بدین صورت بیان نمودند: رزق و روزی حلال؛ زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی؛ بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا؛ زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی. برخی دیگر حیات طیبه را عبارت می دانند از: «عبادت همراه با روزی حلال» و «توفیق بر اطاعت فرمان خدا و ماندن آن» را نیز افزوده اند. و باز در روایتی^{۲۹} در نهج البلاغه از امیر مؤمنان (ع) آمده چنین می خوانیم: «و سئل عن قوله تعالى فلنحيينه حياة طيبة» فقال هي القناعة؛ از امام علی (ع) پرسیدند: منظور از جمله «فلنحيينه حياة طيبة» چیست؟ فرمود: قناعت»؛ البته بدون شک مفهوم این تفسیر امیرالمومنین، محدود ساختن حیات طیبه به صرف قناعت نمی باشد بلکه بیان مصداق و نمونه روشنی از آن است،

۲۷. المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱۲، ص ۴۹۴

۲۸. تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ج ۷، ص ۷۳۴-۷۳۵

۲۹. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۳۰. نهج البلاغه، کلمه قصار ۲۲۹

چون اگر همه دنیا را به کسی بدهند ولی روح قناعت را از او بگیرند همیشه در آزار و نگرانی به سر می برد و به عکس اگر انسان روح قناعت داشته و از حرص و آز و طمع بر کنار باشد، همیشه آسوده خاطر و خوش است. پس به هر حال حیات طیبه چنان معنای وسیع و گسترده ای دارد که همه این معانی فوق را در بر می گیرد.

مرحوم علامه طباطبایی در مورد «حیات طیبه» بیانی عمیق و عالی دارند، ایشان در تفسیر خود و در ذیل آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل می فرماید: مراد از «احیاء» بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان با ایمانی را که عمل شایسته و مصالح انجام می دهد با زندگی جدیدی که غیر از زندگی معمول مردم است، اکرام می کند و آثار زندگی حقیقی که همان علم و قدرت است با این زندگی جدید همراه و همگام است و این درک جدید و قدرت باعث می گردد چنین فرد مؤمنی، چیزها را چنان که هستند ببیند؛ یعنی می تواند امور و اشیاء را به دو قسم حق و باطل تقسیم کند. سپس با قلب و روحش از امور باطل که در معرض فنا و زوال هستند که همان زندگی و حیات دنیوی است روی گردان می شود و به آن پشت می کند و دل به زینت ها و مظاهر فریبنده دنیا نمی بندد و چون از بند این تعلقات دنیوی و ظواهر گول زننده آن رها شد، شیطان نمی تواند او را خوار و ذلیل خود سازد و در بند خود گرفتار آرد. و در مقابل، قلب و روحش به پروردگار باقی و جاوید مرتبط و پیوسته می گردد و جز ذات پاک او و قرب و جوار او را طلب نمی کند و جز از خشم و دوری از او از چیزی هراس ندارد و در این هنگام برای خود زندگی پاک و جاودانه و بی زوال مشاهده می کند که کارگردان این زندگی و مدبر امور آن، پروردگار بخشنده و مهربان او است و در سراسر این زندگی معنوی و پاک جز زیبایی و جمال چیزی مشاهده نمی کند و تنها اموری را که خداوند آنها را قبیح و زشت شمرده، زشت و ناپسند می شمرد. این

۳۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ذیل آیه ۹۷ سوره نحل

چنین انسانی چنان نور و کمال و قدرت و عزت و لذت و شادمانی در زندگی خود می‌یابد و مشاهده می‌کند که پایان و انتهای ندارد.^{۳۲}

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای نیز، ضمن اینکه آرمان و هدف انقلاب اسلامی را ایجاد حیات طیبه می‌دانند، حرکت به سمت حیات طیبه را تمام نشدنی دانسته و می‌فرمایند:

رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به سمت حیات طیبه تمام نشدنی است. **أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ**؛ این همان صیورت به سمت خدا [است]. صیورت یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روز به روز بهتر بشود؛ این را می‌گویند صیورت؛ بشر به سمت خدا صیورت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این صیورت در آن وجود داشته باشد؛ این صیورت تمام نشدنی است؛ همین‌طور به‌طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است.^{۳۳}

۷) تمدن نوین اسلامی

چکیده:

عبارت تمدن نوین اسلامی که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است در واقع همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف گردیده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی که می‌تواند نوید بخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه جانبه به عنوان ماهیت

۳۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ج ۱۲، ذیل آیه ۹۷ نحل

۳۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۹۴/۰۶/۲۵

واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع به معنای تاکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه ها و همه جنبه های زندگی مادی و معنوی می باشد.
متن اصلی:

تمدن وضعیتی است که در آن تمام نیازهای مادی و معنوی انسان و جامعه انسانی لحاظ شده است و در چنین جامعه ای استعداد های بالقوه انسانها به فعلیت می رسد. در واقع تمدن، شهری آرمانی است که عقلانیت و معنویت این مجموعه را هدایت می کند. بنابراین هر چند در عرصه تاریخ زندگی بشر تلاشهایی برای ایجاد چنین جامعه و تمدنی صورت پذیرفته است اما همچنان بشر چشم به آینده و تمدن ایده آل دارد.

در مورد تمدن نوین اسلامی باید گفت یکی از فرازهای روشن تاریخ بشری عصر شکوه تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی است عصری که با بعثت پیامبر اکرم (ص) شروع می شود و با هجرت آن حضرت و تشکیل اولین جامعه اسلامی در مدینه مسیر خود را آغاز می کند و پس از آن با انتقال موارث فرهنگی و تمدنی فرهنگهای آن روز مثل فرهنگ تمدن ایرانی، رومی، یونانی، مصر و چینی و پردازش آنها و دمیدن روح اسلامی در این عناصر دست به باز آفرینی آنها بر اساس رویکرد و جهان بینی اسلامی می زند. این مجموعه درخشان که در قرون چهارم، پنجم و ششم هجری به اوج خود رسید توانست جلوه ای از جلوه های مذهبی و فرهنگی و همراهی علم و دین و دنیا و آخرت و عقلانیت و معنویت باشد. در این مجموعه بود که علوم طبیعی، فلسفه، فقه، حدیث، عرفان و شاخه های دیگر علوم توانستند به حدی از پیشرفت خود برسند و آفرینشهای هنری همراه با توسعه تجارت و صنعت و معماری و طب، تمدنی زیبا، انسانی، دینی و ایمانی را ایجاد کند که متأسفانه تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی از جمله حمله نظامی از غرب توسط مسیحیت قرون وسطا و از شرق توسط اقوام وحشی مغول دچار رکود، ایستایی و در بعضی حوزه ها دچار فروپاشی شد.

در ادامه سرگذشت این تمدن در جهان اسلام باید گفت این تمدن بعد از دو قرن رکود توانست دوباره از زیر بار هجوم اقوام ویرانگر قد علم کند و در جهان اسلام در دوران سه دولت یعنی عثمانی در غرب، صفوی و گورکانی در شرق جهان اسلام دست به نوزائی فرهنگی و تمدنی بزند. در این مقطع این دولت ها توانستند قسمتهایی از شکوه تمدن مسلمانان را بازسازی کنند اما در این مقطع نیز استبداد داخلی و استعمار خارجی، عصر جدیدی از رکود و ایستائی را در تمدن مسلمانان ایجاد کرد و موجب شد تا خود باختگی و غرب زدگی در اندیشه و اراده مسلمانان راه بر هر نوآوری و پویائی فرهنگی و تمدنی در جهان اسلام ببندد و سنت و فرهنگ غربی به عنوان نماد تمدن و مدنیت در باور مسلمانان، آنان را به دنباله روی از غرب بکشاند.

این دنباله روی از غرب در جهان اسلام با واکنش های متفاوتی مواجه شد، متفکرین و اندیشمندان زیادی دل در گرو جامعه و تمدن ایده آل اسلامی داشتند و تلاشهایی برای احیاء اندیشه اسلامی انجام دادند. ادامه این رویکرد منجر به ایجاد نهضت بازگشت به اسلام و هم چنین احیاء تفکر دینی شد، لذا باید گفت این نگاه نو به مختصات جامعه اسلامی، در انقلاب اسلامی ایران و در اندیشه بنیان گذار انقلاب و معمار بزرگ جمهوری اسلامی یعنی امام راحل (ره) با تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی روند عینی خود را آغاز کرد و در خارج از ایران اسلامی در قالب نهضت بیداری اسلامی همچنان در تکاپو برای ایجاد تمدن و جامعه تراز انسان مسلمان است که در آن مردم سالاری دینی در عرصه سیاسی و شکوفائی اقتصادی و توسعه علم و فناوری و رفاه مادی در کنار بهره مندی از زندگی سرشار از باور و معنویت پیگیری می شود.

عبارت تمدن نوین اسلامی که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است در واقع همان احیاء تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ها به آن معطوف گردیده است، یعنی احیاء عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و



تکنولوژی یکی که می تواند نوید بخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه جانبه به عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه ها و همه جنبه های زندگی مادی و معنوی می باشد. مقام معظم رهبری با تقسیم تمدن نوین اسلامی به دو بخش ابزاری و بخش حقیقی راهبرد تمدن سازی نوین را تبیین کرده اند.

از منظر رهبر انقلاب اسلامی هر دو بخش مهم و در خور توجه است اما بخش متنی و حقیقی همان سبک زندگی مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، مسئله کسب و کار، رفتار مادر محل کار، رفتار مادر فعالیت سیاسی، رفتار ما با یک دوست، رفتار ما با دشمن ... این موارد چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد اما بخش ابزاری، که شامل ارزشهایی است که امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می شود مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی که علی رغم فشارها و تهدیدهای خارجی شاهد موفقیت های فراوانی در کشور هستیم.

مقام معظم رهبری با تبیین این نکته که آنچه در غرب به عنوان تمدن شناخته می شود تنها جنبه ابزاری و سخت افزاری دارد که نتوانسته نیازهای حقیقی از جمله سعادت، امنیت و آرامش روانی، هدفمندی زندگی را برای جامعه غرب به همراه بیاورد. پس تمدن غرب نمی تواند تمدن مطلوب و آرمانی جامعه اسلامی باشد بلکه تمدن نوین اسلامی با بهره مندی از شیوه زندگی و نوع نگاه اسلامی و دینی به زندگی است که شکل خود را پیدامی کند.

در خاتمه باید گفت که تمدن نوین اسلامی تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسانها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه های انسان ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت افزاری تمدن را نفی نمی کند بلکه به آن جهت داده و آنرا از آفاقی که بشر

دچار آن شده است مثل پوچ گرائی، عدم احساس امنیت، نابرابری، و فقدان معنی در زندگی نجات خواهد داد. و طلیعه این تمدن نوین اسلامی همان تداوم و استمرار انقلاب اسلامی و برپائی و اسقرار نظام جمهوری اسلامی است که توانسته دو بعد اصلی تمدن یعنی نرم افزاری و سبک زندگی و بعد سخت افزاری و مظاهر توسعه و پیشرفت را در کنار هم دیگر تعریف کند و بشارت به برپایی این تمدن نوین اسلامی را به بشریت بدهد.

۸) زمینه سازی ظهور

چکیده

زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی اش را تحقق بخشد.

متن اصلی:

با غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعیان، مسلمانان و همه جهانیان دچار محرومیتی جانکاه و عمیق شدند. شیعه در این عصر با پذیرش مسئولیت تاریخی خود برای خروج از این محرومیت، چشم به راه موعود و عصر ظهور، به انتظار ایستاد؛ انتظاری که بار سنگین رسالت زمینه سازی برای ظهور را با خود به همراه داشت. مفهوم زمینه سازی ظهور:

حقیقت انتظار، همان آمادگی و زمینه سازی است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داریم که ایشان می فرمایند: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ» «مردمی از شرق قیام

میکنند و زمینه را برای حرکت جهانی مهدی فراهم میسازند. « در این حدیث از واژه «یوطئون» از مصدر «وطأ» به معنای زمینه سازی استفاده شده است. زمینه سازی در لغت فارسی، به معنای مقدمه چینی، آماده ساختن، تهیه مقدمات برای منظوری است. اما در لغت عربی با توجه به ویژگی لغوی «وطأ»، معنای آن نه هر زمینه سازی بلکه زمینه های چیزی را کاملاً فراهم کردن و راه را از هر جهت هموار کردن و بر آن تسلط داشتن است.

۳۶

ظهور در این جادر برابر غیبت به معنای آشکار شدن امام (علیه السلام) است. زمینه سازی ظهور یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حاکمیت جهانی اش را تحقق بخشد. با توجه به تقابل ظهور و غیبت، تحقق ظهور نیازمند برطرف کردن علل غیبت است. باید دید علل و عوامل غیبت چیست و چرا امام غیبت کرده است.

وجود ضعف هایی در شیعیان و جامعه شیعی و کوتاهی و ناتوانی آنان را از حمایت امام، کار را به آن جارساند که امام برای حفظ جان خود مجبور شد از صحنه غایب شود و به صورت پنهان، نقش آفریند. از این رو، با تغییر و تحول شرایط و ایجاد باید ها و نبایدهایی در شیعیان و جامعه شیعی می توان زمینه های ظهور را فراهم کرد. تا آن گاه که تحولی در بینش و معرفت، گرایش و ایمان، کنش و رفتار «فرد» و اهداف و روابط و ساختار «جامعه» صورت نگیرد و فرد و جامعه شیعی بر وظایف و عهد و پیمان های خود با امام وفا نکند و به سطحی از رفتار با یکدیگر که در روایات به آن امر شده، دست نیابد، انتظار ظهور بی معناست و خود را

۳۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۸؛ کنز العمال، ح ۳۸۶۵۷؛ الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴.

۳۵. لغت نامه ده خدا، ذیل واژه "زمینه"

۳۶. المعجم الوسيط، ریشه "وطأ"

منتظر دانستن، بیهوده است؛ چراکه انتظار عمل است و بهترین عمل
ها.



ضمیمه ۲: منشور سازمانی مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی

بیانیه مأموریت مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی
"مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی هیأت رایة الهدی "مرکزی است
اسلامی، جامع نگر، جهادی و پژوهش محور، به عنوان بخشی از دفتر
مرکزی هیأت رایة الهدی، در جهت:

۴. پایبندی به اصول و مبانی اسلامی

۵. فعالیت های عالمانه و مبتکرانه

که از طریق انواع روش های پژوهشی، پشتیبانی علمی و معرفی هیأت
رایة الهدی را بر عهده داشته و بنا بر تکلیف الهی خود، به ارائه خدمت
می پردازد.

این مرکز جهت رسیدن به اهداف خود با رویکرد هم افزایی از تشکیلات
هیأت بهره برده و ضمن تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار با استفاده از
امکانات و فناوری های روز، در سه سطح عملیاتی:

۱. پشتیبانی تحقیقات بنیادی مجموعه

۲. پشتیبانی تحقیقات کاربردی مجموعه

۳. توجیه علمی - معرفی مسئولین مربوطه

انجام وظیفه می نماید.

مرکز تحقیقات به نحوی فعالیت می نماید که با توجه به جامع نگری،
ابتکار و رویکرد علمی و پژوهشی به شایستگی ممتاز نائل آید.

چشم‌انداز مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی در افق ۱۴۰۴ هجری

شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتصام به قرآن و عترت، در پرتو ایمان و مجاهدت خالصانه و در مسیر تحقق سند چشم‌انداز هیأت رایة الهدی در افق ۱۴۰۴؛

"مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی" مرکزی است جامع‌نگر و خلاق با هویت اسلامی و انقلابی، در جهت مرجعیت علمی هیأت استان یزد و تأثیرگذاری در جامعه ایمانی‌مشعر.

"مرکز تحقیقات شهید کاظمی آشتیانی هیأت رایة الهدی" در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۶. جامع‌نگر و خلاق

بر محور ثقلین، پویای جامعه مهدویاً، پیشتاز جهت تحقق مراتب حیات طیبه مبتنی بر انسان کامل، بدون محدودیت سنی و جنسی، دست‌یافته به تشکیلات اسلامی، زمینه‌سازی جهت برآورده شدن تمامی نیازهای عناصر تشکیلاتی با توجه به ابعاد وجودی انسان، با رویکرد مبتکرانه.

۷. برخوردار از هویت اسلامی و انقلابی

متمسک به قرآن و عترت و ولایت امام عصر!، مبتنی بر عقلانیت اسلامی، ایمان و عمل صالح، متعهد به نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، آرمان‌های امام خمینی قدس سرّه و رهنمودهای امام خامنه‌ای مدّ ظلّه العالی، متکی بر فرهنگ و تفکر بسیجی، برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، مفتخر به ایرانی بودن، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی-اسلامی و زبان و ادبیات فارسی.

۸. مرجعیت علمی هیأت

مبتنی بر مبانی و اصول اسلامی، با تأکید بر بومی سازی مفاهیم، بر اساس مقصیات مکانی و زمانی، از طریق تحقیق و پژوهش و تهیه و

تدوین نگرش، مدل و الگوی جامع و معیارهای هیأت داری در عصر حاضر، ارائه عالمانه مفاهیم دینی.

۹. تأثیرگذاری

با تأکید بر هیأت جامع و تراز انقلاب، با رشد پرشتاب و مستمر، مبتنی بر وحدت، هم‌گرایی و هم‌افزایی هیأت با جامعه ایمانی مشعر.

اهداف کلان:

۱. پایگاه برتر و سرشار از معنویت، جهت تحقق مراتب حیات

طبیعه مبتنی بر انسان کامل

۲. خلاق و پایبند به اصول و مبانی اسلامی و فعالیت های

عالمانه

۳. دستیافته به ساختار سازمانی و تشکیلات اسلامی

۴. متکی بر نیروی انسانی و خادمانی متعهد، متخصص و کارآمد

۵. برخوردار از عرصه های مالی و امکانات مولد با رویکرد

خودگردانی

۶. بهره مندی از کارآمدترین شیوه ها و رسانه ها در جهت

تحقق چشم انداز

۷. بهبود مستمر فرایندها و فعالیت ها با اجرای نظام ارزیابی و

بازخورد

۸. الهام بخشی و دارای تعاملی مطلوب با مجموعه های فرهنگی

کشور و جهان اسلام

راهنماها:

۱. نهادهینه سازی روح بررسی، تتبع و ابتکار در راستای دستیابی به تفکر خلاق
- ۱/۱. بستر سازی جهت تقویت روحیه بررسی، تتبع و پژوهش محوری در تمامی بخش های هیأت
- ۱/۲. بستر سازی جهت تقویت روحیه ابتکار و خلاقیت در تمامی فعالیت های هیأت
۲. طراحی نظام واره مبانی نظری و مفاهیم کاربردی مورد نیاز هیأت منطبق بر اصول و مبانی اسلامی
- ۲/۱. شناسایی و استخراج مبانی نظری مورد نیاز هیأت
- ۲/۲. شناسایی و استخراج مفاهیم کاربردی مورد نیاز هیأت
۳. ترویج مبانی نظری و مفاهیم کاربردی هیأت در جهت تعمیق و تحکیم اصول و مبانی اسلامی
- ۳/۱. بستر سازی جهت توجیه مسئولین مربوطه پیرامون مبانی نظری و مفاهیم کاربردی
- ۳/۲. گفتمان سازی مبانی و مفاهیم در هیأت
۴. پیش گامی در تأثیر گذاری و الهام بخشی علمی در راستای ترویج مفاهیم اسلامی
- ۴/۱. فراهم سازی بستر جهت تأثیر گذاری علمی - پژوهشی به منظور نشر و گسترش در سطح شهرستان یزد
- ۴/۲. اتخاذ تدابیر مناسب جهت الهام بخشی علمی - پژوهشی به منظور ترویج در سطح جهان اسلام



ضمیمه ۳: منشور سازمانی مدیریت نیروی انسانی

بیانیه مأموریت مدیریت نیروی انسانی
"مدیریت نیروی انسانی هیأت رایة الهدی" مدیریتی است جامع‌نگر،
پویا و جهادی، به عنوان بخشی از دفتر مرکزی هیأت رایة الهدی، در جهت:

- تربیت نیروی متخصص و متعهد

که از طریق جذب و ساماندهی قشر مستعد و رشد و ارتقاء اعضا و
عناصر تشکیلاتی با تاکید ویژه بر نهاد خانواده، بنابر تکلیف الهی خود،
به ارائه خدمت می‌پردازد.

این مدیریت جهت رسیدن به اهداف خود، با رویکرد تقویت هم‌دلی و
هم‌افزایی، از تشکیلات هیأت بهره‌برده و با استفاده از امکانات و
فناوری‌های روز، در دو سطح عملیاتی:

۴. هدایت‌گری «عناصر تشکیلاتی»

۵. اثرگذاری-تبلیغی، تعلیمی و تربیتی- «اعضاء تشکیلاتی»
با "ارتقاء سطح علمی"، "شکوفایی و تقویت عقل و خردورزی" و "پرورش
احساسات" در جهت "رفتارسازی" نیروها، انجام وظیفه می‌نماید.
مدیریت نیروی انسانی به نحوی فعالیت می‌نماید که با جامع‌نگری و
توجه ویژه به رشد و ارتقاء اعضا و عناصر تشکیلاتی، ضمن اجرای نظام
ارزیابی و بازخورد، به شایستگی ممتاز نائل آید.

۳۷. الْعِلْمُ إِمَامُ الْعَقْلِ (تحف العقول؛ النص؛ ص ۲۸):

الْعُقُولُ إِيْمَةُ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ إِيْمَةُ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ إِيْمَةُ الْخَوَاسِ وَ

الْخَوَاسُ إِيْمَةُ الْأَعْضَاءِ (کنز الفوائد، ج ۱، ص ۲۰۰)

چشم‌انداز مدیریت نیروی انسانی در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتّکال به قدرت لایزال الهی و اعتصام به قرآن و عترت، در پرتو ایمان و مجاهدت خالصانه و در مسیر تحقّق سند چشم‌انداز هیأت رآیه الهدی جهت نیل به تحقّق حیات طیبه مبتنی بر انسانِ کامل و تربیت نیروی متخصص و متعهد در افق ۱۴۰۴؛

"مدیریت نیروی انسانی" مدیریتی است جامع‌نگر و پویا؛ با هویت اسلامی و انقلابی، هدایت‌گر تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی و ارتقاء بخش ابعاد وجودی اعضاء تشکیلاتی.

"مدیریت نیروی انسانی" در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۱. جامع‌نگر

بر محور ثقلین، پویای جامعه مهدویاً، پیش‌تاز جهت تحقّق مراتب حیات طیبه مبتنی بر انسانِ کامل و بدون محدودیت سنی و جنسی.

۲. پویا

با بهینه‌سازی مستمرّ نیروی انسانی و دست‌یافته به تشکیلات اسلامی؛ از طریق ساماندهی کارآمد، تمرکزگرایی، اصلاح ساختارها و فرایندها؛ و تقویت روحیه مدیریت و خودباوری.

۳. برخوردار از هویت اسلامی و انقلابی

متمسک به قرآن و عترت و ولایت امام عصر(ع)، مبتنی بر عقلانیت اسلامی، ایمان و عمل صالح، متعهد به نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، آرمان‌های امام خمینی(قدس سرّه) و رهنمودهای امام خامنه‌ای(مدّ ظله العالی)، متّکی بر فرهنگ و تفکر بسیجی، برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، مفتخر به ایرانی‌بودن، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی-اسلامی و زبان و ادبیات فارسی.

۴. هدایت‌گر تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی

زمینه‌سازی جهت برآورده شدن تمامی نیازهای عناصر تشکیلاتی با توجه به ابعاد وجودی انسان و با نگاه جامع به ظرفیت‌ها، توانایی‌ها، تفاوت‌ها و نیازهای آنان؛ طبق مبانی، ارزش‌ها و اصول اسلامی، در جهت تحقق حیات طیبه.

۵. ارتقاء بخش ابعاد وجودی اعضای تشکیلاتی

برنامه‌ریزی در راستای "ارتقاء سطح علمی"، شکوفایی و تقویت عقل و خردورزی و "پرورش احساسات" در جهت "رفتارسازی" نیروها در راستای نیل به انسان کامل.

اهداف کلان:

۱. پایگاه برتر و سرشار از معنویت، جهت تحقق مراتب حیات طیبه مبتنی بر انسان کامل
۲. خلاق و پایبند به اصول و مبانی اسلامی و فعالیت‌های عالمانه
۳. دستیافته به ساختار سازمانی و تشکیلات اسلامی
۴. متکی بر نیروی انسانی و خادمانی متعهد، متخصص و کارآمد
۵. برخوردار از عرصه‌های مالی و امکانات مولد با رویکرد خودگردانی
۶. بهره‌مندی از کارآمدترین شیوه‌ها و رسانه‌ها در جهت تحقق چشم‌انداز
۷. بهبود مستمر فرآیندها و فعالیت‌ها با اجرای نظام ارزیابی و بازخورد
۸. الهام بخشی و دارای تعاملی مطلوب با مجموعه‌های فرهنگی کشور و جهان اسلام

راهنماها:

۱. بهینه‌سازی مستمر فرایند نیروی انسانی
- ۱/۱. طراحی و اجرای سیستم جذب و تثبیت نیروی انسانی
- ۱/۲. بهبود و ساماندهی ساختار نیروی انسانی
۲. به‌سازاری جهت هدایت‌گری تمامی شؤون زندگی عناصر تشکیلاتی
- ۲/۱. طراحی و استقرار نظام هدایت‌گری بارویکرد جامع‌نگری و رعایت اولویت‌ها
۳. به‌سازاری جهت توانمندسازی و ارتقاء ابعاد وجودی اعضا تشکیلاتی
- ۳/۱. طراحی نظام توانمندسازی و ارتقاء اعضا تشکیلاتی، ناظر به ابعاد وجودی آنها
۴. نهادینه‌سازی فرهنگ انس و هم‌دلی در بین نیروها
- ۴/۱. طراحی راهکارهای تقویت انس و هم‌دلی در هیأت
- ۴/۲. گفت‌وگو سازی و اجرای راهکارها در راستای نهادینه‌سازی انس و هم‌دلی در اعضا



ضمیمه ۴: منشور سازمانی مدیریت امور مالی

بیانیه مأموریت مدیریت امور مالی

"مدیریت مالی هیأت رایة الهدی" مدیریتی است جامع نگر، منضبط و جهادی، به عنوان بخشی از دفتر مرکزی هیأت رایة الهدی، در جهت؛ حاکمیت ساختارهای اقتصادی اسلامی و مدیریت مؤثر عدالت محور مالی

که از طریق سیاست گذاری کلان مباحث اقتصادی، جذب، سازماندهی و توسعه منابع مالی و با تاکید ویژه بر اصول و مبانی اسلامی، وظیفه پشتیبانی اقتصادی و رفاهی هیأت رایة الهدی را بر عهده داشته و بنابر تکلیف الهی خود، به ارائه خدمت می پردازد.

این مدیریت جهت رسیدن به اهداف خود، با رویکرد اقتصاد مقاومتی، از تشکیلات هیأت بهره برده و با استفاده از امکانات و فناوری های روز، در دو سطح عملیاتی:

۱. پشتیبانی امور مالی هیأت

۲. پشتیبانی امور اقتصادی و رفاهی اعضاء هیأت

انجام وظیفه می نماید.

مدیریت مالی به نحوی فعالیت می نماید که با جامع نگر و توجه ویژه به ساختارهای اقتصادی اسلامی، ضمن توازن بخشیدن به مصارف و مدیریت مؤثر منابع مالی، به شایستگی ممتاز نائل آید.

چشم‌انداز مدیریت امور مالی هیأت رایة الهدی در افق ۱۴۰۴ هجری

شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتصام به قرآن و عترت، در پرتو ایمان و مجاهدت خالصانه و در مسیر تحقق سند چشم‌انداز هیأت رایة الهدی در افق ۱۴۰۴؛

"مدیریت مالی" مدیریتی است جامع نگر و منضبط، با رویکرد اسلامی و انقلابی، هدایت‌گر تمامی شؤون اقتصادی و رفاهی عناصر تشکیلاتی، پیشرو در رشد و توسعه منابع مالی و پیشران در ایجاد ساختارهای مولد، متعامل و الهام بخش مجموعه‌های فرهنگی کشور و جهان اسلام.

"مدیریت مالی" در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

۱. جامع‌نگر و منضبط

بر محور ثقلین، پویای جامعه مهدویاً، پیشتاز جهت تحقق مراتب حیات طیبّه مبتنی بر انسان کامل، دست‌یافته به تشکیلات اسلامی، زمینه‌سازی جهت برآورده شدن تمامی نیازهای عناصر تشکیلاتی با توجه به ابعاد وجودی انسان، پایدار در ایجاد شفافیت و انضباط مالی، اولویت‌بندی و توازن بخشیدن به مصارف و مدیریت مؤثر منابع مالی

۲. برخوردار از هویت اسلامی و انقلابی

متمسک به قرآن و عترت و ولایت امام عصر، مبتنی بر عقلانیت اسلامی، ایمان و عمل صالح، متعهد به نظام جمهوری اسلامی، ولایت مطلقه فقیه، آرمان‌های امام خمینی قدس سرّه و رهنمودهای امام خامنه‌ای مد ظله العالی، متکی بر فرهنگ و تفکر بسیجی، برخوردار از روحیه مقاومت، ایثار، جهاد، شهادت، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان، مفتخر به ایرانی‌بودن، پاسدار میراث‌های ارزشمند ایرانی-اسلامی و زبان و ادبیات فارسی.

۳. هدایتگر تمامی شؤون اقتصادی و رفاهی عناصر تشکیلاتی

زمینه سازی جهت برآورده شدن تمامی نیازهای عناصر تشکیلاتی به ویژه نیازهای اقتصادی و رفاهی با توجه به ابعاد وجودی انسان و با نگاه جامع به ظرفیت ها، توانایی ها، تفاوت ها و نیازهای آنان؛ طبق مبانی، ارزش ها و اصول اسلامی، در جهت تحقق حیات طیبه.

۴. پیشرو در رشد و توسعه منابع مالی و پیشران در ایجاد

ساختارهای مولد

رشد و توسعه هدفمند و متناسب، بستر سازی مناسب با اعتماد سازی، ترغیب و جهت دهی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، همکاری و تعامل مطلوب مستمر و فعال با نهاد های مستعد حاکمیتی، پرهیز از جذب سرمایه های شبهه دار، ایجاد ساختارهای مولد مرتبط با اهداف و مأموریت ها با رویکرد خودگردانی

۵. متعامل و الهام بخش مجموعه های فرهنگی کشور و جهان

اسلام

تعامل مؤثر و سازنده، با تأکید بر وحدت، همگرایی و هم افزایی مجموعه های فرهنگی و انقلابی در جهت جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، طبق تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی قدس سره و رهنمود های امام خامنه ای مد ظله العالی

راهبردها:

۱. تقویت زیر ساخت ها و توسعه امکانات زیر بنایی در جهت

انجام فعالیت ها

۱/۱. ایجاد ساختارهای مولد مرتبط با اهداف و مأموریت ها

با رویکرد خودگردانی

۱/۲. رشد و توسعه هدفمند امکانات مکانی و ساختمانی

هیأت

- ۱/۳. رشد و توسعه متناسب امکانات سخت افزاری و نرم افزاری هیأت
۲. بسترسازی مناسب جهت جذب، سازماندهی و توسعه منابع مالی
- ۲/۱. اعتماد سازی، ترغیب و جهت دهی به خیران و ناذران جهت استفاده از منابع با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی
- ۲/۲. همکاری و تعامل مطلوب مستمر و فعال با نهاد های مستعد حاکمیتی جهت جذب منابع
۳. اصلاح و انعطاف پذیر کردن ساختارها جهت جذب منابع مالی و پرهیز از جذب سرمایه های شبهه دار
- ۳/۱. استفاده از ظرفیت های علمی روز برای تسهیل در دریافت کمک های مالی
- ۳/۲. منعطف کردن ساختار در جهت پذیرش و جذب انواع کمک های مالی
۴. اولویت بندی و توازن بخشیدن به مصارف و مدیریت مؤثر منابع مالی
- ۴/۱. فعال سازی سامانه مدیریت مالی و حسابرسی کارآمد
۵. توجه و اهتمام به امور اقتصادی، اشتغال و رفاهی اعضای مجموعه
- ۵/۱. تعامل سازنده با مدیریت نیروی انسانی هیأت جهت هدایتگری اقتصادی عناصر تشکیلاتی
- ۵/۲. تعامل سازنده با مدیریت نیروی انسانی هیأت جهت بسترسازی اشتغال عناصر تشکیلاتی
- ۵/۳. تعامل سازنده با مدیریت نیروی انسانی هیأت جهت اعتلاء امور رفاهی اعضاء



۵/۴. ایجاد زیرساخت‌های لازم در جهت اعطاء قرض
الحسنه به اعضاء

۶. ارائه علمی و عملی الگوی مدیریت مالی بر اساس مفاهیم
دینی

۶/۱. اتخاذ تدابیر مناسب جهت ارائه الگوی مدیریت مالی
هیئات مذهبی

۶/۲. تبادل تجربیات با نهادهای مشابه جهت تقویت و
جهت دهی فعالیت‌های اقتصادی

ومن الله التوفيق وعليه التكلان